



فیض
مظلوم

حذیثی از
موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان
مظلوم و مان تاریخ

سخنرانی، در هفتم تیرماه ۱۳۶۳

سلسله انتشارات سند مردمی بزرگداشت شهادت مظلومانه سردار حرباء
..... حاج ابوالحسن کربلایی

مقدمه

لایح الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم
وكان الله سمیعا علیما . (سورة نساء آیه ۱۴۸) .
و خدا وند دوست نمیدارد که کسی به عیب مردم صداب لند
کندگر کسی که مظلوم واقع گشته و از دست ظالم فریاد
و دادخواهی کند و رشتی عمل اورا فاش گوید و خدا شنوا
به اقوال و دانایه احوال بندگان است .
شهید مظلوم کریمی فریادگری بود بر علیه ضد
ارزشها شی که انقلاب خونسا رمان را مورد تهدید قرار
میدهد و هشیار مان می ساخت و آینده سوء تدبیرها را به
ما می شناسیا ند، هر چند که سازشکاران و فرست طلبان
خواستند خاموش اش سازند. نگدا وند که اوضاعیق را
بگوید و آرا هشیش شطانی آنا ترا برهم زند. اما او با
خونش پیا مها داده تقاب تزویر را آنا نیکه با تهمتو
افتراء می خواستند از جیدان بدرش کنند، درید. بعد از
شها دتش غوغاه شد. دردهای انسا شته خروشیدن آغا زید
و امواج اش خاموشی حاکم را شکست و روزنه های فجر امید
بر قلبها یا سآلوده رهروانش بدرخشید و این خون
بود که پیام مظلوم بودن اورا غریبو دادوا بینک که
میتواند گویا تراز خود و دزا یعنی مقوله سخن براند .
این سخنرا نی خود دیدیت دیگریست از مظلومیت .

او بعد از ۲ سال که دردها را کردارون فرومی برد
سرانجام در شب های آخر رهیان در لیله القدر هفت تیر
۶۳ بیا دمظلو میت علی و بیزورا ستینش بهشتی عزیزان
دردها را فریاد نمود و این دردها، دردهای خود و نبود
بلکه دردانگلی بود، درد محرومین، درد اینکه خدا
نکنند با سیاست های غلط روزی انقلاب ازمیرالهی اش
به نحراف کشیده شود و انقلابی نما ها جای فرزندان
راستین انقلاب را بگیرند و آنا نرا خاموش کنند .

ستا مردمی امیدوارا است باتائیدات الهی بتواند
سخنرا نی های شهید مظلوم کریمی را بعنوان سلسه
انتشارات فریاد مظلوم تقدیم رهروانش بکنندتا شعله
های هدا یتش آنا ترا در راه رهروی راهش که همانا راه
راستین انقلاب و امام بود راهنمایگردد .

هرچه پر رهرو ترباد راهش

ستا مردمی بزرگداشت شها دت مظلومانه سردا رحیب ا...

حاج ابوالحسن کریمی

موسسه مطالعات مبارزان
www.mngeliman.ir

کتابخانه اینترنتی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه ملی ایران

تكون رضا لفضلهم ومكافأة لعملهم وكفالة لطيب فوهم

وبالله لا راء فجر ساطع وخوى نجم طالع وبعدقا ل على
بصقين

عليه السلام في خطبه خطبها بالصفين: فليست تصلح

الرعية الاصلاح الولاة ولا تصلح الولاة الا باستقامته
لادى

الرعية، فإذا أدى الرعية إلى الوالي حقه وادى الوالي

إليها حقها عز الحق بينهم وقامت منا هجلاً دين واعتدلت
 بذلك

معالم العدل وجرت على اذلها السنن، فصلاح بذلك

(١) مباركة وطمع في بقاع الارض، وينتست مطا مع الاعداء

برای بزرگداشت شعائر اسلامی وهرچه بیشتر هدایت

یافتن به نور هدایت قرآن و آموزش های عالی اسلامی و

برای خاموش شدن شعله های سرکشی وطفیان و ضلالت ،

اجماعاً سه ملوات غراء اینجع البلاعه خطبها

الحمد لله رب العالمين والحمد لله على ما أنعم عليه

الشكر على ما لهم ، الذي بعد فلايり وقرب فشهاد لنجوى

تبارك وتعالى ... والحمد لله قاصم الجبارین ، مبیر

الظالمين ، مدرك الها ربین ، نکلل الظالمین ، صریخ

المستصرخین ، موضع حاجات الطالبین ، معتمد -

المؤمنین ، والحمد لله الذي ناهدا ناهدا وما كاننا ننهدي

لولا ان هدانا الله ، الصلوة والسلام على رسول الله مباركة

نبي الرحمة واما م الائمه وسراج الامم ، حبيب الله

العالمين ابی القاسم المصطفی محمد (ص) وعلى اهل بيته

صا بیح الظلم وعزم الامم ومنار الدين الواضحـه و

صاديق الفضل الراجحه على الله عليهم اجمعین ، صلواه

بمناسبت امشب که شب هشتم تیر است و شب روز جهانی

قدس است^۶ در این محفل شریف و در این خانه خدا گرد

هم آمده‌ایم ، تا از معارف فرهنگ قرآن و مقدمات

فرامهم شدن امشب ، سخن بگوئیم . امشب سخن از زبان
بر سیاست این کشور پنهان اور اعنوان میکنند ، پی به مظلومیت مظلوم

علی میگوئیم ، زیرا شبها ، شباهی ماه مبارک (رمضان)

ومتعلق است با این وجود گرامی^۷ خاصه لیالی قدر .

از زبان علی سخن میگوئیم ، تا بهتر بدانیم که هفت تیر

چیست ؟ وفا جعه هفتم تیر چرا ایجاد شد ؟ از زبان علی
موسسه مطالعاتی مبارزان اسلامی کیلان

سخن میگوئیم ، زیرا اگر در هفتم تیر ، طاحبهان دارد او e

در منديها و شناخت دردها وارائه طريقيها از همه درمندان

راه که تبلور آن در چهره هفتاد و دو تن شخصيت بر جسته

از شهدای این انقلاب متجلی وظاهر است ، در دمندر از

آنان و صاحب درد اصلی و شناخت نهائی یعنی علی به ما

بیا موزد که این دردها چه بوده ؟ واگر بجهشتی مظلوم

معرفی میشود ، واگر امام امت بالاترا ذشهادت او

مظلومیت اور اعنوان میکنند ، پی به مظلومیت مظلوم

اولین تاریخ اسلام ، یعنی علی ببریم ، که در آن صورت

شايد بهتر بتوانیم این حقانیت بیان امام را در با ره

این شهیدان بحق دریا بیم .

به یاد

از زبان علی سخن میگوئیم ، و یا اگر بیا دبهشتی

مظلوم و هفتاد و دو و یار صدیق اول و دیگران از یاران پاک

باخته راه خدا از همراهان او ، مظلومان خلیفه‌های

زمانند و آنان برای افشاری همه توطئه‌های خلیفه‌گونه

زمان ، جان برطبق اخلاص در راه شهادت نهاده‌اند ،

مظلوم اولین وحقیقی خلیفه زمان خویش ، امیر

المؤمنی راست . وعلی است که درد آشناست وبهتر از

همه ، دردها را دریافت ، وشناخت بهترین ، نسبت به

دردها داشته ، وبدین سبب بهترین ارائه طریق را

نموده است . از زبان علی سخن میگوئیم ، زیرا علی بهتر

از همه تربیت شدگان مکتب علوی ، به آن شعاری که

بیشتری ، بدان معروف شد " که ما بعشق خدمتیم ونه برای

كسب قدرت " علی به ما میآموزد، کس که مانابعیت مبنیگردید ، تاریخ را ورق بیزند ، آنچه را که برشما در

خدمت کرد ورا بدهای انسانها درجا معاشر اسلامی چگونه

باشد ، بین والی ورعیت چهار تباری وچگونه پیوندی؟...

تا مصدق واقعی این بیان شوند ، که در راه خدا فی

سبیل الـ... خدمتگزاران حقیقی باشند ، نه کسب

کنندگان قدرت وتشنگان کسب قدرت ، که در این راه همه

آسودگیها را بخود بخواهند وبرای خودآسان ببینند .

از زبان علی سخن میگوئیم ، تا با توجه به تاریخ نمونه

وزنده علی ، که نیمی از همه نمونه های آن چیزها را است

که بر تاریخ اسلام رفت ، بیا موزیم که چه سان باید

گذشته را فرا راه آینده قرارداد و مصدق واقعی استد ل

علی مالم یکن بـما قـدهـوـانـ کـانـ الـامـورـ اـشـبـاـهـ " گذشته را

کسب قدرت " علی به ما میآموزد، کس که مانابعیت مبنیگردید ، تاریخ را ورق بیزند ، آنچه را که برشما در

تاریختان رفت بدان توجه کنید ، تا فرا راه آینده چرا غ

روشنی داشته باشد ، زیرا امور ممثل همند ، آنچه را که

در گذشته واقع شد ، در حال و آینده نیز واقع خواهد شد "

یعنی آنچه را که بر علی رفت ، بر تاریخ اسلام تا امروز

۷

رفت و میرود و خواهد رفت ، و آنچه را که بر ما میرود ،

بمثابه آن چیزها ئی است که بربزرگان تاریخ اسلام

خاصه علی رفت . بنا براین از زبان علی سخن میگوئیم

از امیرالمؤمنین سخن میگوئیم ، تا خوب زمان را

شنا سیم ، زیرا اگر زمان را بشنا سیم هم وظایف را

درک میکنیم وهم استعدادها را درستی میباشیم وهم بدرستی

به مقابله صحیح برمیخیزیم که امیرالمؤمنین علی

علیه السلام فرمود : " من عرفالایام لم یغفل عن

(۲۳)

موسسه مطالعات

الاستعداد ". آنانیکه زمان را دریا بند ، آنانکه ایام

را درک کنند ، موقعیت مکانی و زمانی شان را بشنا سند

استعدادها یشان را ، نهفته های از توانهای الهی را که

و دیعه های الهی است ، از آنها غافل نخواهند ماند ،

که (فینه های)

۷

۸

و آنها را بدرستی درجهت صحیح بکار خواهند گرفت ،

و چنین جامعه ای به موفقیت میرسند . و با زبدانسان که

فرموده اند : " من لم یجرب الامر خدع " . تا با تجربه

از امور درستگریخ ، و از آنچه را که بر علی رفت ، دیگر

دچار خدudeها و فریبها و نیز نگها ، چه در بروون ما وچه در

درون ما نشویم . از زبان علی سخن میگوئیم و باید از

علی یاد کرد و از زبان اوسخن گفت ، که علی در دمندترین

انسانها است ، علی دگرین انسانها است و آشنا ترین

به راههای حل دردها است ، و در عین حال صاحب ایمانی

کامل است ، وایمان درا و به کمال است ، و چون یمان

dra و به کمال است میل میکند که دردها را بشنا ساند و راه

حل درها را برای مردم خود ، بازگوید . علی درنهایت

هاست خود میگوید، "آنچه را من در درون دارم اگر بازگو
کنم ، شما تاب جذب و کشش آنرا ندارید ، و اگر بگویم و
اگر بگویم ، شما متزلزل میشوید ، شما مضطرب میشوید ،
بدان پنهان افطرایی کنند: امداد کشور این سیاست این روزگارها بر داشت و در
عمیق پیدا میکند" . با این واین بیان نگران نست که علی چه چیزها
در درون نهفته دارد و این را در راجه میگوید ، که به علی
اعتراض میکنند ، که چرا سکوت کرده‌ای ؟ و علی میگوید
"اگر حرف بز نم میگویند حرض بر حکومت دارد ، مقام
میخواهد ، اگر سکوت کنم ، میگویند از مرگ میترسد ،
هیهات بعدا للتیا والتی ، بعد از اینهمه کارزار ، بعد
از اینهمه جنگا وری ، بعد از اینهمه ایستادگی در مقابل
کفرو شرک و نفاق ، آیا چنین چیزی رواست ؟ بخدا

۹
ایمان ، عشق به ال... و حب به لقاء ال... دارد ، و او
صداق واقعی " هل الدين الله لا لحب " آیا دین جز حب
است ؟ آیا دین جز دوست داشتناست ؟ دوست داشتی کی ؟
وچون علی در مرحله حب و دوست داشتن به خواست و در
نهایت کمال ، فلذا با رعایت همه جهات تقوی هم را زمی
طلبد ، میخواهد رازها را بازگو کند ، اما برای
چه کسی ؟ برای انسانهای که استعداد آنرا دارند که
حرف علی را درک کنند ، و آنچه را علی میگوید را بین
موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان زیرا علی خود میگوید ، علی خود میگوید : " و ان اقل
يقولوا حرص على الملك ، و ادن ، اسكنت يقولوا جزع من
الموت ، هیهات بعدا للتیا والتی واله لابن بیطالب (۴)
آنس بالموت من الطفل بشدی امه " . علی مکنون درد

سونگند برا ی پسرا بیطالب ، انس به مرگ ، انس به

موت ، از انس بچه به پستان ما در بیشتر است ، وال... .

لابن بیطالب آنس بالموت منا لطفل بشدی امہ". آری

باید از علی سخن گفت ، زیرا آن علی است که وقتهای

ایمان در روی حب میرسد ، و حب الهی میل به راز

گفتن دارد ، و راز گفتن ، هم راز میطلبد ، چون هم راز

از نوع خود نمی یابد ، خلوت میطلبد و چه خلوتی بهتر

از دل شب ، ولذا علی در دل شب به خلوت دل پنهان میبرد

"نباشد ای پسر صاحب دلان را e i m a n ."

بجز دل در دل شبها قرینی"

علی در دل شب را زمیکوید و در د میکوید . وازع علی می

آموزیم سخن گفتن را و در د گفتن را ، که درجه زمانی

بگوئیم و چگونه بگوئیم ، درجه زمانی سکوت کنیم و

چگونه سکوت کنیم گاهی حتی مرگ ، اما مرگی که در

آن حیات است و فنا به وحشت می اندازد ، گاهی دیگران

که بلد تیلستند و آشنا برآه علی نیستند ، فریا دبلند

اما فریاد مرگ آور رسوایکنده . از علی میا موزیم ، که

چگونه حق را برگرسیش و بر جایش بنشانیم ، زیرا این

(اعراک)

علی است که میگوید : " صدیقک من نهاک وعدوک منا عزاک "

دوست تو آن کسی است که تورا با زبدارد ، حق را به تو

کیلان مباررات اسلامی

بگوید ، و دشمن تو آشکسی است ، که تورا مغروف کند .

فقد (۶)

علی به ما میا موزد" من مدحک ذبحک " آنکه تو را

مدح میکند ، آنکه تورا در قدرت ظاهری ثنا میگوید ، آنکه

تورا بدانسان می بیند که گویا نمی تواند عبارت حقی و یا

موردعدلی را در حضور توبرزبان جاری کند، این آدماسباب

سقوط تورا فواهم میکند، و آن خیرخواه تواست که حق را

میگوید، که عدل را عرضه میکند". از علی بیا موزیم،

که برای بعثت پیامبران به چه بیان ندیشیم ^{و بن برای}
^{سیاست این کشور پنهان ساخته است: اما در}

استدامه راه آنها چگونه عمل کنیم ^{و آنانکه بسان}

^{و قیصر}

اکاسره ^{و قیصرها} عمل کردند ^{بسان آنانکه در پیشگاه}

علی عمل کردند؟ که به علی گفتند چنین بکن و چنان

بکن، و علی گفت من راه حق را تشخیص می دهم و آنچه موسسه مطالعات مبارزات اسلامی ^{کیلان}

را که تشخیص میدهم آنرا عمل میکنم .. گفتنده از اما بله

توزبان میرسد، اگر به ما آنچه را که میخواهیم ندهی

ونگذاری ماجیره خواران سفره حکومت توبا شیم و لی

بناحق، از ما به توزیان میرسد، علی فرمود:

"بروید، آزادید، تازمانی که دست از پا خطا نکردید

در مسیر حق، اگر دشمن هم باشد، کاری به شماندارم،

اما آنجاکه از طریق حق و قانون خارج شدید، علی با شما

مبارزه برمبنای قرآن و آنچه را که پیامبر کرد، میکند

و این علی است که با همه این دردمندیها، درون شب را ز

ونیاز میکند، و علی است که فریاد انسان زمینی را به

آسمان میبرد، علی است که این انسان مهجور در کالبد

جسم و جان را پروا ز میدهد، بال و پرمی بخشدوا و می پرد

در مملکوت اعلی، در پیشگاه خدا، و آنچه را می بیند که

لی را ان عسین این علی علیه السلام در شب عاشورا دیدند

چه را ن شهید در مجموعه مبارزات شدید، لی را ن هفتاد دو

تن کربلای حزب جمهوری اسلامی ایران از روزی که به

اسلام و انقلاب اسلامی و رهبری امام امت ایمان آوردند

آنرا مشاهده کردند، تالیله قدر شب هفتم تیر.

پادشاهی که به قصر افلاک

سردهد ناله زندانی خاک

اشکباری که جوشمع بیدار

می فشا بندگ های زرومیگرد زار

دردمندی که چولب بگشایید

کلماتش چودر، آویزه کوش

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

مسجد کوفه هنوزش مدهوش تابع و مستقیم باشد، زیرا میرالمؤمنین فرمود:

"فليست تصلح الرعية لابصلاح الولاه ولا تصلح الولاه لابا

(۸)

ستقامه الرعيه". عبارتی که دراول صحبتم بعد از

خطبه خواندم، از خطبه‌ای است معروف ازا میرالمؤمنین

فجرتاسینه آفاق شکافت

چشم بیدار علی خفته‌نیافت

ازعلی سخن بگوئیم، نه بدانسان که دائماً گفتیم ،

علی علیه السلام که در صفحین خوانده شد. در این خطبه
علی علیه السلام، درس میدهد، از حقوق انسانها
نسبت بهم، از حق خدا نسبت به انسانها و از حق والیان و

حاکمان نسبت به مستضعفین و آدمهای تحت سرپرستیشان

رعیت، و از حق مردم و رعیت نسبت به حاکمان، کدام

حاکمان؟ حاکمان جور؟^۶ حاکمان حق. حاکمان جور که
تکلیفشاں مشخص است و، صفتان^۷ امیر المؤمنین می

فرماید: "حق و سیعترین عبارت و مفهوم و کلام است در
موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان^۸

توصیف و تنگ ترین واژه است در غمل"^۹ ا همه از حق سخن^{۱۰}
میگویند، شما شاید جزو موارد خاص روحی، نمی بینید

در تاریخ، حتی ستمگران را، جانیان را، آنانیکه
ملتها را به خاک و خون کشیده‌اند، قبول کنندکه حق

نیستند! آنها خودشان را حق میدانستند! و دریک نمونه

اگر می‌بنیم امروز، گروه‌کها، روسای احزاب و رشکسته

سیاسی، ضد انقلاب داخلی و خارجی، و استگانشان در

رادیو و تلویزیون مملکت، اینجور عاجزانه انحرافشان

را اعلام می‌کنند، حالت طبیعیشان نیست، البته طبیعی

بنابه مقدماتی که آنها فراهم کردند، ممکن است

طبیعت انسانیشان باشد، لکن مسیر قدرت، مسیر تکا شر

طلبی از قدرت، اینرا ایجاد نمی‌کند. اگر طبیعی های

و معلومون از ایران فرامیکردند، اگر این عنصر بر جسته

جنگل موفق می‌شدند، شهری را مثلاً به محاصره در بیان و ند

آیا اینجور عاجزانه و ملتمنه توی تلویزیون اعلام

می‌کردند که ما جانیان هستیم، ما را به زنجیر ببندید

وبرقبرشدهای انقلاب بکشید و در پیشگاه مادران و پدران

آن شهداء به مذلت بخاک بکشانید، تاشفای قلب آنها

۶۹

باشد، آن حالت با زگشت است در یک شرایط خاص روز و

انفکاک و انتزاع از موضع کسب قدرت روحیه نوائشکاشر

طلبی اغلب است که آنها داشتند، روز بروزا گردد مرافق

موفقیت ظا هری می بودند، اینها خودشان را حق

میدانستند، چه کسی باید حق پرداز معرفی کند؟ وما باید

در چهره چه کسی و با چه ملاک و معابرهاي حق را بخشانیم؟

ولذا راهها بسیار فراوان است و پیچیده و در هم رفته و

لذا فرمود: "و سیعترین واژه است در تعریف و توصیف اما

بسته ترین، تنگ ترین، محدود ترین واژه است در

تناصف انصاف دادن در عمل قدرت بدست آدم باید، آدم

حق را به ذیحق بدهد و بکوید من حق ندارم، این را باید

از علی یا دگرفت . و امیرالمؤمنین وقتی حق را بیان

میکند، میفرماید که از حقوق حقوق الهی بر بندگانی

است که اور اطاعت کنند و می‌اید تا میرسد به یکی دو

فرازی که از این خطبه برا یتان می خوانم و شرح گونه

ارائه میکنم، بعد شما باید آنچه را که از این خطبه

میفهمید ، و شما باید که لازماست این خطبه را خطبه

در چهره چه کسی و با چه ملاک و معابرهاي حق را بخشانیم؟

امیرالمؤمنین در این خطبه در مجموعه این خطبه جگونه

سخن میگوید و شما باید که باید آنرا با زمان تطبیق

کنید وزما نرا شناسید و آنچه که وظیفه ماست در این

زمان از این بیانات علی، در زندگی ما و در این انقلاب

ما پیاده کنیم . امیرالمؤمنین از جمله این حقوق می

فرماید: "حقی است که خدا برای والی نسبت به رعیت

گذاشت و حقی است برای رعیت نسبت به والی گذاشت

این حق واجب است که خدا آنرا قرارداد، " يجعلها نظاماً

ماللفتهم و عزالدينهم " حق که بین والی و رعیت و بین

حاکم و مردم، بین حکومتها و مردم و ملتها، حقی است که

خدا برای حفظ نظام جامعه گذاشت و برای عزت دین

گذاشت بعد میفرماید: " ليست تصلح الرعية الاصلاح
موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

الولاه ولا تصلح الولاه لا ستقامه الرعيه" خوب با ین

ترجمه ها توجه بشود که علی میفرماید : " رعیت یعنی

مردم بصلاح نمیرسند، کارشان اصلاح نمیشود، حکومت

حکومت حق نیست مگراینکه حاکمان حق جو باشند. مگر

اینکه حاکمان ، سردمداران حکومت اصلاح شوند. در

زمانی که روسای یک حکومت به درد مستضعفین نرسند

تا زمانی که آنانکه برا ریکه قدرت تکیه زدها ند،

خودشان دردها و ایستضاعه را المحس نکنند، انتظاراً لاصح

از رعیت نباشد داشته باشند، وبعد میفرماید ولاه؟

حکومت مداران ، فرمانداران ، استانداران ، قضات

عواامل بالای حکومتی ، راهنمایان فکری و معنوی، اینها

هم اصلاح نمیشود کارشان، اینها هم موفق نمیشوند ،

مبارزات اسلامی گیلان

و مگراینکه راعیت و مردم استقامت کنند، استقامت بر

شدائد کنند، استقامت بر دردها کنند، استقامت و

پایداری در ایمان برای والی.. کنند، تا اگرچنین کنند

" عزالحق " پیدا کنند ، حق در بینشان عزت پیدا کند "

فقا بت منا هج الدین" را ههای دین دربین اینها برپا "

واعندهت معالم العدل "پرچمهای عدل دربین اینها

برا افراد شود" وجرت علی اذالله السنن " جدا به

این عبارت توجه عمیق بکنید، " وهر چیزی و هر سنتی سو این کشور پهناور سایه ای های گویا کون بررسی سو

ام ری در جای خودش جریان پیدا کند ". زمینی دانید یعنی چه؟

یعنی راهها آنقدر هموار بشود که اگر کسی خواست عمل بکند

مورده حرف واقع نشد، که اگر کسی خواست سخن حق بگوید

نبیند اصطکاک دارد احساس نکند که شخصیتی به بینی و

موسسه مطالعات

بر میخورد، احساس نکند یک قدرتی سرراه است، مزاحم

است ممکن است حتی متهمش بکند، بعنوان خدای

نخواسته، آشوبگر، خدا نقلاب، و خدا نخواسته ما جراجو!

این را اعلیٰ حتی لمس کرد، برای علی چنین کردند، علی

را خواستند ما جرا جو معرفی کنند ولذا فریاد میزند :

(۱۰)

هیها ت بعدا للّتیا والّتی وا...لابن ابی طالب "بعد از آنهمه

بردها و ستم کشیدن ها وا یستادگیها ، چطور اینها میگویند

!(۱۹)

علی دنیا میخواهد من برای مصلحت اسلام است که سکوت

(۱۱)

کرده ام " وان اسکت یقولوا جزع من الموت " نه از مرگ

نمیترسم " وجرت علی اذالله السنن " راهها آنقدر نرم

ذلیل

بیشود، ذلیل شدن آقا یکی میگوید ذلیلی است یعنی هموار

مباشتاب ملت ذلیل یعنی میل ای که قدرتمندانها اگر

W W W a n g e i m a n . i r

بخواهند سرشات سواری بکشند سختی ندارد اصطکاک

ندارد. شما ملت ذلیلید یعنی اینکه هر دشمنی که

بخواهد توی شما وارد بشود با سختی و اصطکاک از شما

رو بروند میشود . بنا بر این تعبیر دیگر شکه زیباست

به نفوذها اجنبی و دشمن به یا سکسیده میشود اینها را

علی میگوید بعد در مقا بلش میفرماید؟ اگر غیرا ینباشد،

اکرا زسوی رعیت پا یبندی واستقا مت در راه نباشد اگر
«**احتلقت هنالک اکلمة**»

والى به رعيت ظلم کند هنا لك افتقرت الكلمه اينجا

اختلاف کلمه پیدا میشود آنچه دیگر وحدت کلمه نیست .

آنجا دیگر یکرنگی و یکپارچگی بین امت نیست، آنجا

دیگر اخلاف است. آنجا هر کسی دکانی بازمیکند، آنجا

اگر پک شاه بود و یک ساواک بود خدای ناخواسته اگریک

روزِ عثمان بود، ایوسفیان بود، ایوجهل بود، فردا

فرزندان امیه هستند فردا فرزندان عباس هستند. همه

یک، یک مدعی حکومتند، در مقابل خاندان ولایت و آنجا

سلگانند، نا بخدا نند که برگرد عناصرنا زیبای و

در جای خودش ^۶ یعنی هموارشدن جا ده برای ایفای حقوق

اجتماع بدون درگیری و اصطکاک و جرت علی اذله

السنن هر چیزی در جای خودش بدرستی جریان پیدا کند

مزاهم نداشته باشد، ببینیدا میرالمومنین و آزادیان
گون بر سیاست ا

مقدمات چه نتیجه‌ای می‌گیرد؟ و من گمان می‌کنم کمی

بیان دیشیم پدرستی هر کجا میان یک کتاب جلوی چشم ما ن

از این نتیجه مطلب و تطبیق زمانی مجسم کنیم

فرماید؛ اگراینچوریباشد واصطلاح^{بذاکرالزمان}اگردم

لارجمند آن خواهی داشت که میتواند آن حکم متوجه خوش و اصلاح و

وَمِنْ فَقِيتْ مَرْبُدْ وَطَمْعٌ فِي بَقَاءِ الدُّولَةِ بَكَائِنْ جَنِينْ

حكومة امجد بعادمه وبقاء آن مبرود ویاً است مطاع

الاعداد، بـ ١٠ جنب حكم متـ مطـ مع ، آذـها ، اـيد

نابخرد سیاست گونه ا مروز مثل مگسها جمع میشوندوهر

کدام با تحریکات بخلاف بیان علی صدیق من نهاد و
عدوک من اعزام مصداق دشمن در لباس دوست این بیچاره
(اغراک)

نآشنای به در درا می فریبند وازا ویک دشمن دکاندار

دریک انقلاب را ستین و شکوهمند اسلامی ظاهر میکنند که

در هر شهری ممکن است خدای ناخواسته مواجه با یک شاه

بشویم . اینرا من نمی گوئیم علی میگوید . علی می
«بخلاف هنالک الکلام»

فرماید *هنا لک افترقت الکلمه شما را به حق عالی سوگند*

درا ین دو جمله بعدی بیش از آنچه ثابت حال دقت گردید

دقت بکنید و بعد میگوید اگر ینجورشد *هنا لک ثدل* -

الابرا روتعز الشرا رالله اکبر ! اگر حاکم حق را نخواهد

حق را نطلبد . یا ران حق گونخواهد از حرف گفتن خوش

حق

نیا ید در مسیر افراشتن پرچم حق نباشد ، قدرت *را*

بکنید خودش را ببیند آنوقت در چنین شرائطی بدان ،

سلگان ، بدسا بقهها عزت پیدا میکنند *وابرار* ، نیکان

خدمتگزاران *بکنید* استینان راه ذلت پیدا میکند خانه

نشین میشوند . اللہ اکبر *تذلل* الابرا روتعز لاشرا ماما

باید برای دل پر درد علی گریبیم . این علی است ، تو

گوئی در زمان ماست سخن مملووس میگوید . این سومین

خلیفه است بعدا ز پیا اکبر آن مردی را که پیا مبر در

مبارزان اسلامی کیلان *از* *نچه* *تابحال* *دققت گردید*

زمان خودش تبعید *کرد* *میوارد* مشاور خودش میکند .

بکنید ادعای مگرا زا ین بیشتر توهین به پیامبر دا ریم شما بیا ادعاء

نیا بت و خلافت پیا مبر را بکنید بعد آنرا که پیا مبر

تبعید کرده (چون خیلی منافق بود چون خیلی حضورش

در مکه و مدینه خطربرای نظام اسلامی داشت میدانید

پیامبر که را تبعید میکند پیامبر محاраб را تبعید می

کند پیامبر دشمن خدا را تبعید میکند الذین يحاربون
رسوله و سعون فی الارض فساداً أَن يُقْتَلُوا (وَيُصْبَلُوا)
اللهورسله... ان يقتلوه ويصلبوه وقطع ايديهم وارجلهم

(۱۴) من خلافاً وينفوا من لا رضي عنه بلدان کند پیامبر این

جوری کرد (۱۵) آن وقت جناب خلیفه سوم آمد و این آقارا
آورد مروان را آورد ، مشا ورقیاسی خودش قرارداد مثل

اینکه امروز نظام خدا نخواسته بی توجهی کند و آن فسر

موس مرده ضد اقلابی را که شاهرا بخارج برد ، اورا

پی وردد و باره مثلایها و درجه هم بدهد و بگوید انشاء الله

ایشان آدم بشوند برای این انقلاب خدمت بکنند ، البته

بعداً با ید بنی صدرور جویرا بیرون برد . تعارف نداریم

به ریش ماست ، با یدقنیم البته اینجا به قصد

دلسوزی انشاء اللہ برای با زگرداندن انسانها فریب

خورده به موضع حق بود آنجا کا ملا " مرموزا نه برای ایجاد

انحراف عمیق و شکاف عمیق در خط اصلی پیامبر چون

بنی امیه از ابوسفیان دستور داشتند چو گان خلافت را از

دستشان بهر طریقی خارج نکنند . نگهدا رند بهر طریقی

تبذل الابرا روتura لاشوار معلوم است شما اگر ملاک داشتید

حق حالت بود عوامل نا حق احساس میکنند که نمیتوانند

دورت جمع بشوند تورا فریب بدھند . فلذا نمی توانند

دور علی بروند اصلاً " نمی توانند به علی نزدیک بشوند .

عَلِيٌّ اللَّهُمَّ

اصلاً " علی عدالت اش دافعه عمیق دارد نمی گذارد

آنها جرئت کنند به علی برای فریب و خدعاً نزدیک بشوند

درست جا ذبه اش آنقدر عمیق است آنقدر عمیق است آنقدر

عمیق است که اینچنین انسان را جلب میکند. میدانید چه

کرد، معا وید برای یکی پیغام داد که از علی دست بگش

بیا پیش من! گفت نه من علی به طمع دنیا که پیش اش

نمی روم من پیش علی میروم برای اینکه علی اجرای

حق میکندرفت پیش علی، پیش امیر المؤمنین (ع)

اعتراف کردکه من دزدی کردم ای نسل مسلمان ای دنیا

بشر این را گوش بگیرا یعنی راه رویش فکر کن این ابعاد افسانه میگوید تو طئه کرده. اول -

شیوه تراست ولی همه تاریخ از دوست و دشمن این را نقل

می کنند. متواتراست پیش امیر المؤمنین اقرار کرد،

که من دزدی کردم، اصر المرصون ترکیب کردم، این آدم ام امر کردم.

» اقرار العقاله علی انفس هم جایز باشد حجاج ری کند علی

نگران شد گفت حالا یک گناهی کرده بودی خب با خدادار

میان می گذاشتی چرا برای من علی گفتی من را وادار

میکنی خددا را جا ری کنم درست است بطرف من آمدی،

ولی آخر من ما مورا جرای حدودالله ام آقا خواه ره؟

امروزهم ممکن است اگر امام امت با یک یارانقلاب

چنین عمل کنده است و رشنفکران و آگاهان طریق امام

را سرزنش کنند: حالا که این ازا مریکا بریده، اینکه

زشوری بریده، اینکه از خارج آمده ایران، چرا

بعد خواهی محاکمه اش کنی میگوید تو طئه کرده. اول -

حاکمه بعداً "اگر جرمش در حدی بود بخشش یا اجرای حد

می سود.

بعدمثل مردم از حقوق عمومی برخودار، علی حساب این را

تئی کندا این آدم با بریدن دستش از علی فرامیکند

ساع وید پیروز میشود علی میگوید وظیفه امروز من این است

چه بکنم ولو برا در من عقیل است چون از من، از بیت الماء

ا فafe می طلب آهن گداخته بستش نزدیک کنم ولو این

یار من است معاویه دام انداخته که این را بگیردولی من

باید اجراء حد کنم زیرا آنچه برای من هدف است رضوان

خداست، رضوان الله اکبر است دست این آدم را چهار

انگشت را برید. خیال می کنید این آدم از علی منفصل

شدمی دانید چه کردا این مرد در مقابله پیام فریب معاویه

آمددربا زار کوفه این چهار را نگشت بریده را در دست راست می

گزند و گفت شروع کرد با تمام فصاحت رجز خواندن و اینکه من

افتخار می کنم که بدهست بهترین فرزند دین خدا و بنده خدا

علی مرتضی تزکیه شوم و از غصب و قهر الهی نجات یافت.

زیرا اگر علی من را تنبیه نمی کرد و حدب من جاری نمی کرد

شاید در روز قبا مت نمی توانستم از قهر الهی نجات پیدا

کنم ایتها نمونه هاست در تاریخ ولی متسافانه چنین

نیست و امیر المؤمنین برای اینکه به ما بیا موزده می گوید

شما مردم با من اعلیٰ به مذاهنه سخن نگوئید با من اعلیٰ

به مسامحه سخن نگوئید می گوید که رهائی که من در

حکومت می کنم من را برای آن کارها نستاییم «فلا

تكلمو نی بما تکلم به الجباره ولا تحظوا منی بما

لتحفظ به عنده اهل الکا دیراه» می گوید با من اعلیٰ آن جور

سخن نگوئید که با جباران سخن می گوئید فکر نکنید

علی یک جبار است، یک حاکم قاهر جو راست از چیزی

هاترا

خوش بیاد آنرا بگویید با من آن جور سخن نگوئید که با

عن گوئیده

ا هل خشم و غصب و قهر سخن می گویید در پیش پا دشا ها ن

پیش من خودتان را ذلیل نکنید و به این جمله بباشد
بالصانعه؟

ولاتخا لطونی با لمعا لحده با من بزبان سازش سخن نگوئید

علی میا موزد که با من علی در موقعیت قدرت حکومت

ببنید کجا دارد علی میگوید، امیر المؤمنین در جنگ

صفین دارد میگوید آنجائیکه باید جوری صحبت بکند که

جمعیت جمع بکند ولشگر میخواهد این صحبت همه را

فرازی میدهد یعنی زمینه موفقیت دام معاویه را بیشتر

میکند. ولی علی میگوید اینجا همه من با مطالعات مبار

«فلات کلمونی بما یتكلمه الجباره ولاتحظوا منی بما
بالصانعه»

یتحفظ عندا هل الباره لاتخا لطونی با المصالحه با

من با زبان چا پلوسی سخن نگوئید نیا ید بگوئید هر چه

(۱۵)

توکرده خوب کردی چون تقدرت دارای فردا که از قدرت

افتادم همه آنجه را خوب میدانستی شما و شما میگوئید تو

بدکرده باشد با علی در موقعیت قدرت حرف حق را بزنید

که علی بداند چه در پست قدرت است چه در پست عادی که

درا رتباط عادی مردم و رعیت آنرا که شنیده است بشنوید

دقیق میگنید چه میفرماید. میفرماید که خوش ندارم به

ذهن تاناین داخل شود، این کمان بروید که علی از ثنا
ذکر داشته است

ومدح و مطرح شدن خوش میاید، نه. فلیست بحمد الله

که ذکر

رکذکاه رو قت هم احسان کردم که میخواهد در قلب من

یک میل به افتخار و غرور پیدا بشود و همه اینها در پیشگاه

با ری تعالی بیاد میآورم احساس مذلت میکنم این رادر

خودم می میرانم بعد میگوید کمان نکنید، کمان نکنید

اگر حق را در من بگوئید بر من سنگین می آید. اگر حق را

بر من عرضه کنید بر من سنگین میا یدنه ولاطنوبی
و «لانفوناجی»

استشقا لای حق قیل لی ولا لتماس اعظام لنفسی فانه
من سبق من اسقفل الحق ان یقال له والعدل ان یعرض عليه

کمان نکنید یک عدلی را به من معرفی کنید، جلوی خلاف

من را بگیرید یا استبا ه من را متذکر بشوید بر من
او العل

سنگین باشد. فانه من اشقل عليه ان یقال له حق او عرض
آن یعرض عليه کان العل برحما اشقل عليه

وعرضه کردن یک بیان و یک امر حق بر او سنگین بالاش داعل

به حق و عدل برای او گرانتر است / میدانی یعنی چه؟

یعنی توکه قدرت داری، اگر حرف حق را بشنوی ناراحت

می شوی، توکه قدرت داری اگر سخن حق را کسی بگوید

خيال میکنی بهتر است متهشم کنی، از میدان خارج ش

میکنی، توکه دراوج قدرت بین المل نشسته ای و می

بینی ملتی فریاد حق خواهی بلند میکند، کمان میکنی
اعلام کردنش، تا حق را ازاو، با متهم کردن بکیری، و بعدهم اعلان

میکنی، من با تشکیل سازمان ملل میخواهم، حق را

حایت کنم، تودروغ میکوشی، تودر عمل بر توکرانتر

است، مشکل تراست، حتیا تودر عمل بیشتر درجا می

زنی . اینها را علی به ما میا موزد. این خطبه فرازهای

دیگران را داد، این خطبه را یاد مطالعه کرد، گفتم به

خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه (فیض الاسلام) خطبه ایست از

این درینها

علی در صفين، بخوانید. امیر المؤمنین اینها را به ما

داد و فرمودا اگر آنطور کردید زمان اصلاح میشود. اگر آنطور

کردید، امید به بقای دولتتان میرود، اگر آنجرور

کردید، ا میدو طمع های دشمن بهیا س کشیده میشود، ولی

اگر غیر این باشد، کلکتا ن کنده است، ا مشب شب هفت

تیراست، اگرمی بینید بهشتی فریا دمیکند و به آمریکا

میگوید: "ای آمریکا، ای آمریکا، بدان و آزماسا زش

نخواهی دید، از ما ذلت نخواهی دید و با ید در این غصه

ودرا این انتظار پوج بمیری". این بخاطر این است که

از این **رسانه ها** الهی علی درس میگیرد، اگرمی بینید

درا این انقلاب عظیم، دشمن ا میدهایش به یا می کشیده

میشود. بخاطر از شهائی است که در این انقلاب احیاء

شده، و اگر خدا نخواسته، آن ارزشها در ما فرا موش بشود

آن وقت تکال الایران و حفظ الاشرار

اگرمی بینید، یک روز، یک روز همه سران جورشا هنها هی

در محکمه شان اعتراف میکنند، که این حکومت متزلزل

نخواهد شد، به جهت این است که، سپاه را می بیند، بسیج

را می بیند، فرزندان انقلاب را می بیند نیروهای

راستین مومن به امام را می بیند، آن روزها را چه شورو

شوقي و امروز؛ رهبران حق را می بیند و می بیند قاضی

شرعش، امام جمعه اش، روحانیش، دانشگاهی شش،

با زاریش، همه یک کلمه میگویند، امام چه میگوید؟

ولایت را گردان گرفتند و با انتظار آنند که با استقامت در

راز، اسباب اصلاح کاری هم و عنصرهای دولت را

فرامهم بکنند". فلذ اهیاد در دادگاه می گوید «من

درا این حکومت امید به زوال ندارم» و آن روز است که

جانیان فرار را برقرار ترجیح میدهند، آن روز است که

فتوالها فرامیکنند، زال وصفت ها فرامیکنند، یاران

نظم شاهنشاهی و سرسپردگان به اجنبی در هر لباسی فوار

وابدگوش‌های خانه‌ها را برقرا روح‌خور در جامعه انتخاب می‌کنند. اما چه شد، اما چه شد، که رئیس جمهور این

ملکت در نیما ز جمیع تهران، فریاد می‌کنند، خان و

فیودال دارد بر می‌گردد، و بعد می‌گوید، ما نمی‌گذاشیم

بله ما نمی‌گذاشیم ولی مثل اینکه دارد یک بوئی می‌آید، می‌خواهد خان برگردد، فیودال برگردد، نگاه

کن، ببین، آقا، "صدقک من نهانک وعدوک من اغراک" موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان

اگرمانگوئیم، اگرما هشدار ندهیم، فردا کلاهها ن پس

معرکه است، امروز دادستان کل کشور [آیت الله مصطفی]

در کمتر نما ز جمیع قم و سخنرانی پیش از خطبه نما ز جمیع تهران است که فریاد بلند نکند" یک توطئه ریشه دار

و گسترده برای بازگرداندن عوامل قدرت شیطانی، از

سرما یهدا رتا سلطنت طلب دارد ریشه می‌گیرد، می‌گوید

بهوش باشد، چرا؟ بنیاد مستضعفان مسئولش فریاد

می‌کنند «اگر بوضع ما نرسید، ما داریم برای سرما یهدا

های این مملکت کارگری می‌کنیم، مزدوری می‌کنیم»

چرا؟ برای اینکه، سرمایه‌ای که اول انقلاب شش

میلیون تومان بود، دست این آقا^{با} مثلاً دو میلیون

تومان بدھکاری، رفت خارج، فرار کرد، عیاشی کرد

حالا برگشت، هنوز دو میلیون تومان بدھکاری دارد که

قسط قسط باشد بدھد، نزولش را هم می‌خواهند ازاو

نگیرند، اما مایملکی که بنیاد مستضعفان برایش نگه

داری کرده و باشد بها و بدھد، شده از شش میلیون، سی

میلیون تومان، صحبت شش میلیارد تومان است، صحبت
شصت میلیارد تومان است، دیروز اینها فرا رکردند،
روستایی ما عرض وجود کرد، حزب ا... ما آمد بنا بر این
میدان برای ما بود، تعارف نیست، فردا این بیا بدمن
وتوبا بد خانه بنشینیم، چون او با عنابر انقلاب
ریشه دارد دگستری هم پیوند دارد، آنوقت تسلذل
الابرا روتزا لشرا روخدا کند توه نفهمی، خدا کند من
هم نفهمم، خیال کنم همه چیز سرجا بیش است، دشمن
مثل خوره از درون میخورد، عظمت انقلاب آنقدر است و
میدانهای نبرد آنقدر وسیع است، آنقدر موج دارد، که
همه این موجهای مرموزانه را خوردمیکند، اما دشمن
نتوان حقیر و بیچاره شمرد، با یدگفت و بیا دبود و بفکر

بود، من عرض میکنم به هرچه بخواهی متهم شوم،
خواسمان باشد، با زده هزا رتومان وجوهات شرعیه بدهد.
جدا چقدر زیبا است علی را اگر بخواهند متهم اش هم بگنند
لابد از خودشا ناست منتها فکر میخواهد، تدبیر میخواهد
آمدند بهشت را متهم کردند به قتل طالقانی، اما
رسا شدند رسواشی شان بخاطرا رزشها بود، اگر مجا هدین
ومنافقین واقعی این اعمال را نمیکردند، با این
بزرگان طرف نمی شدند و اگر در برده مرموزان خودشا نمی
مانند تو اگر اعلام جنگ مسلح ایله عليه انقلاب ما هم
نمیگردند امروز معلوم نبود اوضاع مملکت چه بودو
این از معجزات این انقلاب بود که خدا اینها را بدست
خودشا ن اینجور رسوا کرد. چرا برای اینکه ۷۰٪ از هفتاد

در مدد از مردم ما می‌گفتند، اینها بچه‌های ما هستند آیه

می‌خواندند بعضی‌ها یشان نما زشب می‌خوانند آقا

می‌گفتند اینها که آیه می‌خوانند اینها که چپی

نیستند، اینها که ضد انقلاب نیستند، اینها هم

لاقل دادبرا قرآن و نماز زدند و راست می‌گفتند

(جالب هم این بود) اما عمق تداشتند اما فوج فوج

اینها را روی احساسات کشانند این طرفی را بکشند.

که سرانجام اینجور جوی و پی صدرو دیگران قطعیه‌شان مبارزان اسلامی گیلان

در آندا مروز راحت می‌پذیریدوا لا روزهای اول بزرگان

هم کله کله های

ما همه، کته کته‌های ما هم وقتی پای محاربه بودو

اعدام می‌گفتند، ما سعی می‌کنیم که دستمان به خون

کسی آلوده نشود اگرا اینجور بود على اولین کسی است

در تاریخ که دستش به خون دشمن آلوده است، آقای

مشکینی می‌فرمود اینها که ازاين حروفها می‌زنند

سوکند به خدا اگر علی هم امروز بباید، که در جنگ

صفین چهارده ماه ۵۰ هزار دشمن را به درک فرستاد.

کفت اینها پشت سر علی هم نمازنمی خوانند. اینها را هر

علی است

نشناختند. اینها دردهای علیست و ازاينجا سست که می

توانی بفهمی بهشتی چه دردی دارد، بهشتی تنها است در

خدخوش، بهشتی آخر باید در لیله القدر ۷ تیر بیاد

الامیر المؤمنین فرات ولاب الکعبه بگوید، امشب شب قدس

است، شب قدس چیست؟ اگر سران دنیا ی اسلامی بدینسان

رسای ملتها

که علی فرموده عمل می‌کردند، اگر از مردم می‌خواستند

رسای ملت‌ها با اینها برادرانه رفتار کنند، مشکلات

راتحمل کنند تحریم اقتصادی ، تحریم نظامی ، تحریم

سیاسی . خودشان مثل مردم می خواستند زیست کنند .

اگرایینبلائی که امروز درکشورهای عرب است در اردن -

است ، در عربستان است این فاصله عظیم طبقاتی .

بخوانید کتابهارا . یک شاهزاده عربستان سعودی وقتی

برای شکار میخورد چندتا انباء رویخجال و آمبولانس نیرو های مسلح اور اسکورت میکنند که اگریکدانه مثلا

پرندهای را ، خودش هم جزو زهاش راندازد باید به موسسه مطالعات

تصنعت یک جوری درست بکند یک جائی را که آقا تیرخالی

کرد تصادفی هم که شد یکی را بیاندازد بقول هاشمی

بالآخره گفت یک شتر بزرگ را یک بچه هم نشانه بگیرد یک جایش

رمیزند ، اینجورکه ۵۰ تا پرنده را هوابدهند ، تیرش

بیکی بخورد آقا احساس بکنده شکارچی است بعد هم

شکارش را برا یش بیا ورند تاعیش و نوش بکندا ما در جوار

اینها یک مرد مستضعف پا بر هنر عرب و عربستان در کنار

حرب و خانه کنده اما در عربستان سیاست این کشور بهناور

می لیسد . تشكیل دولت اسرائیل فلسطین

در سال ۱۸۹۷ مشتی صهیونیست مستقر در دلواشنت

کاخ سفید ، صهیونیست فقط یهودی مذهب نیست اینها با

برادران این بیوکیشان نیز مخالفند کشته را

علیه آنها کردند اینها استعمال رگرانند ، واينها تصمیم

گرفتند به نام ملت یهود فلسطین را اشغال کنند .

اینرا گذرا میکویم برنامه را ریختن در پی سالها تا

سال ۱۹۱۷ در جنگ جهانی آنزمان که فلسطین در اشغال

نیروهای مسلح انگلیس بود لرد بالفور وزیر خارجه

انگلیس با تشکیل دولت صهیونیستی در فلسطین مسلمانها

(علام)

اعلان موافقت کرد. قدرتها دست به دست هم میدهند. از

سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۸ قیامها شد جنگهاشد. فلسطینی‌ها

مبارزه‌ها کردند اما بعلت نابخردی و خیانتها و راحت

طلبی‌ها سران کشورهای اسلامی ثمری نداد در سال ۱۹۴۸

درسازمان ملل نماینده آمریکا اعلام کرد که باشد

تشکیل یهودی صهیونیستی را امروزه امضا کنیم، روی

لایحه‌اش کار کنیم. دنیا بشربдан و آکاه باش. اینها

که در بسیاری موارد باهم ماهها و سالها اختلاف میکنند

اسناد گویاست ۱۵ دقیقه طول نکشید بعد از آین پیشنهاد

از سوی نماینده، نماینده دولت آمریکا، نماینده

دولت شوروی قبول کرد. با هم توافق کردند که اسرائیل

در فلسطین ایجاد بشود که ازان روز مستقیم و غیرمستقیم

رفتند سرمایه‌ها را برداشت یهودیان شرطمندرا از سرا سر

جها ن با تشویق و تهدید و تطمیع برداشت جمع کردند هر جا که

توانستند زمین‌ها را به قیمت ارزان خریدند همان اعمالی

که این اواخر داشتند با ما میکردند. در دشت قزوین در جا

های دیگر به قیمت‌های ارزان سوز مین مارا میخواستند

بخرند اسلامی اسلامی نبود این چنین برناهای در

ایران بود چون مشابه آن برای لبان شد. هر جا که

зорشان نرسید که مردم را تطمیع کنند مردم بیچاره

مقامات کردند اسلحه بکار رفت میدانید که دیوریا سین

ها ایجاد کردند ۲۰۰ تا ۳۰۰ تا بچه‌های ابتدائی که از

مدرسه هنگام ظهر بخانه میرفتند هدف^(ن) بمب آسمانی

بلکه مسلسلهای زمینی شدند بچه‌های ابتدائی روز میان

افتادند غرقه درخون شدند و این عمل منجر به جنگهای

سیاست این کشور پهناور^{پهناور} سیاست این کشور پهناور^{پهناور} ۱۹۴۸، ۱۹۵۳، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ شد. جنگهای^{جنگهای} اعیون^{اعیون} را ب و

اسرائيل تمام هم شد. بعدهم در پی^{پی} اعمال خائن^{خائن} اسرا

سران کشورهای بنام مسلمان^{مسلمان} پیمانهای^{پیمانهای} نابکارانه^{نابکارانه} ظالم

کستر مظلوم^{کستر مظلوم} کش همچون^{کش همچون} کمپ دیوید و فاس تشکیل شد که

دیدید چطور در آن جلسه مشترک^{مشترک} کارتنشته^{کارتنشته} و طرفینش^{طرفینش} موسسه^{موسسه} مطالعات^{مطالعات}

سدات خائن و مناخ^{مناخ} بکین و بعد آبا هم دست^{دست} میدهن^{میدهن} د

این جانی، این کارتر، دستش را روی آنها می‌گذارد

اینها را قفلش می‌کنند و می‌گویند^{گویند} دیگرا حتماً با زنشدنی

نباشدوا^{نباشدوا} این ملتها را کاملاً می‌فروشن^{فروشن} برای ملت ارزشی

قاتل نمی‌شوند.

با پیداعی در دل تا ریخ ۱۴۰۰ سال پیش فریا دیزند

اگر شما حق را راعا^{راغه} یت نکنید نه تنها امیدبه بقا^{بقا} ای

دولت^{دولت} تا^{تای} شیست و نه تنها ذلیلان عزیزمی شوند و نه تنها

عزیزان ذلیل و خانه^{خانه} نشین بلکه امیدهای دشمن در

برنا^{برنا} مه ریزی مجدد برای^{برای} نابودی تا^{تای} شما هرچه زنده تر

می‌شود. تا امروز تما^{تما} نشو^{نشو} امروز منجر شده است^{است} به اشغال

نظامی^{نظامی} اسلامی^{اسلامی} و مبارزان^{مبارزان} ای^{ای} سران^{سران} اسلامی ب پا

خواست^{خواست} نجور نتوانستند^{نتو} بدست^{بدست} بنی صدر خبیث در ما ههای

آذرو^{آذرو} و بهمن^{بهمن} و اسفند^{اسفند} ۵۹ و بعد آن با زیهای اسفند

وبعد آن جریانا^{نات} افتادن به منجلاب^{منجلاب} فسا^{فسا} دوغوطه^{دوغوطه} و رشد

دردا^{دردا} من^{من} و استگان^{استگان} به^{به} جنبی^{جهنبی} و ضد^{ضد} اسلام^{اسلام} و همراه^{همراه} شدن^{شدن} با

خیثان کہ خودش اول آنها را افشاء کرده بود آقانا حق

این است ، خودش اولین کتاب تحقیقی را علیہ مجاہدین

نوشت خودش هم برای احساں قدرت طلبی وجبرا ن این

وقت کے

روحیه تکا شرطی برقدرت آنها را همراه دیدواہم تا مرا

فرا موش کرد و مردم مستضعف و مظلوم را فرا موش کرد آن

فتنه را کرد سرانجام آن جنایت را که آخرش بعد از اینکه

در حزب جمهوری آن فاجعه پیش آمد ، گفت : "دووسه تا

بیشتر از عناصر تمییزگیری باقی نمانده است ایشان بروند
موسسه مطالعات مباررات اسلامی کیلان

وضع کشور ایران دیگر با ویرسد امابر می گردیم اما کار را از

سر آغاز می کنیم غافل از اینکه این (مخالفین ایشان)

عمر (۱) عدھ خاصی نیستند این ملت است اجازه نمیدهد حتی

اگر روزی شاید که دیگران و الامقا م رهبری تصمیم خاص

بگیرند ، این ملت به این سادگی و به این زودی نسبت به

این تصمیم تسلیم نشوند الا در رابطه با مقام ولایت

و فلذاً امام فردا را روز جهانی قدس اعلام کرد . فلذاً

امام فریاد امیر ند تا چندای مسلمین قبله اول شما

قدس باید زیر چکمه تفاله های آمریکا و اسرائیل غاصب

خرد بشود و قرار بگیرد و امام میگوید تنها راه نجات

وسرافرازی ایجاد یک کشور جهانی و یک حکومت جهانی

اسلامی است بر مبنای اسلام راستین واحکام آن است و

W W W . r a g لا غیر e

و فردا را روز جهانی اعلام کرد که همه یکپا رچه فریاد

برآ رنده ما بنایی بنانهاده ایم که همه زور گویان را

و همه قدرت طلبان شیطانی را تا پوزه شا نبرخاک مذلت

نهائی نمایل آرام نمی‌گیریم.

این امت برانگیخته شود، اخطا رمی‌کند، اعلام می‌کند

وبیدار باش میدهد که اینچنین حادثه‌ای در پیش است

و در شب نوزدهم رمضان دائم را زونیا زمی‌گویند با خدا

خود. به آسمان می‌نگرد. دردهای دل را باید با

محبوب در میان بگذارد و با چه روئی!! همزمان با

برخاستن صدای تکبیر می‌اید. آنجاکه از خانه بیرون

می‌آید. مرغان هم اعلام خطر می‌کنند مرغان جلوی حضرت

مبارز پریزند، می‌ایل گپریم لکشا یند علی می‌فرماید که دعو

هن فانهن صو ایح تبعها نو ایح می فرمایند اینها را به

حال خودشان بگذارید اینها ما موریت الهی دارند اینها

فریادها یشان در پی خود یک ناله‌ها و مصیبت‌ها ای دارد،

یعنی فرشتگان خدا هم با نتظارند زیرا علی با آنها

در پی این دریافت‌ها از درها و این اعلام شناخت‌ها

وراه است که علی همراه نیست. علی کسی را صاحب

ظرفیت نمی‌بیند که آنچه را باید بگوید

او بگوید فلذ‌ادرلیله مبارکه نوزدهم رمضان در پی آن

اتما م حجتی که یا دا وری و تذکری که در مسجد داشت،

بالای منبر بود خطاب کرد به امام حسن. فرزندم چند

روز از ماه رمضان رفته حضرت عرض کرد سیزده روز

از امام حسین (ع)، چند با قیست؟ (امام حسین (ع) ۱۷)

روز امدادست به لحیه مبارک کشید فرمود و الله لیخضبها

بدمی اذن بعث اشقیه‌ها بخدا سوگند هر آینه ریشم

محاشم با خونم خواب خواهد شد آن زمانی که شقیترین

محرم را ز هست و آنها می‌توانند با علی در خلوت ش باشند و

خودش شعری می‌گوید و خودش به خودش تنبه میدهد آنجا که

حلقه در کمر بند علی را با زمیکند آنرا محکم می‌بندد و می‌گوید

ادددحیا زیمک للموت فان الموت لاقیکابون آین

دان من را ، کمر بند را محکم ببند چون مرگ ترا ملاقات

می‌کند ، ادددحیا زیمک للموت ، فان الموت لافیکا ، ولا

تجزع عن الموت . ازموت نا له نکن ، نترس واذرل

بنا دیکا و مرگ به سراغ توتا دم درخانه آمد مطالعات مبارپیا کنند امیرالمؤمنین آمد مسجد آنجا صدای الله اکبر

میخواهی فرا رکنی ای جباران تازیخ میخواهید فرار

کنید از دست حاکمیت حق مستضعفان علی بخودش اینجور

تنبه میدهد : ولات غرب بالدهر ، و ان کان یوا فیکا

شما به خوشی دو روزه دنیا خوشحال نشوید ، مغرور

نشوید هر چند برا یتان روزگار خوشی باشد - کما اضحك

جیکیکا ؟

الدهر ، کذاک الدھر یکیکیها .

هما نطورکه روزگار یک روز ترا خوش کرد ، یک روز

ترا می‌گریاند ، اسرائیل غاصب باید برای گریه این

روزها بنشینند . باید بدست مردم جهان ، مسلمین

ویسف

جهان بروز ذلت بنشینند و قرآن وعده داد " و اشف به مدور

(۱۱)

قوم مومنین " باید به این عمل قلب های مومنین شفا

مبارپیا کنند امیرالمؤمنین آمد مطالعات

برگوش جهان نیان طنینا فکند . همزمان با فجر صادق در

محراب عبادت شمشیر بر فرق حضرت آمد . تمام را ز گوئیها

۲۲۲

خودتما در دمندیها خود را در این جمله اضافه کرد فرت

خلاصه

ورب الکعبه بخدا رسید به معبد رسید به وصال رسید

از همه بارهای سنگین رسالت^۶ علی دوشش سبک شد. فلذا

بهشتی ویا ران او زیر آوار فریاد الله اکبر سرمهیدند ،

آیات قرآن زمزمه میکنند و شهدای ما هم همینطورند

در بستر در همین محراب عبادت است خاک معزاب را

بر فرقس^۷ ریزد و باشداد

در قبرش میزند ویا دخدا درس عبادت و توحید میدهد -

منها خلقنا کم و فیها نعید کم و منها نخرج کم تاره اخزی^۸

از خاک شما را آفریدیم به خاک شوارا بر میگردانیم وبار

دیگر شمارا از خاک زنده میکنیم تا آنروز را در یا باید

این علی است که بیاد و تاریخ زنده است و به یاد او همه

امروز سخن میگویند وازا و درس عزت و شرف میگیرند .

با رپورددگار از زبان فرزند علی و فرزندان او با تو سخن

میگوئیم که امام سجاد میفرماید اللهم لا شکوالی أحد

سوک ولاستین بحاکم غیر^۹ حاشاک می فرماید خدا یا

نمی کنم

به جز پیشگاه توهیچکس را عبادت نمیکنیم و جذار حضور

نمی کنم

توبیش هیچ حاکم دست نیاز بلند نمیکنیم خدا یا

نمی کنم

مالا^{۱۰} با این افیان و با این تمسک^{۱۱} مشب درا بینجا جمع شدیم

وعرض دعا میکنیم .

شب های آخر ماه رمضان است و این دعا معروف افتتاح

رامی خواندیم دوشه جمله آنجا را در دل می کنیم از

راز شودن الام^{۱۲} مای اغیبیت^{۱۳} حضرت اللهم انا نشکوالیک

فقد نیبنا صلواتک علیه و آله و غیبه ولینا کثرة عدونا

وقله عددنا و شده الفتنه بنا و تظاهر الزمان علینا

ما از همه اینها پیش تو شکوه میکنیم امروز دشمنان تا

دندا ن مسلح آمده اند ایران اسلامی را بمباران کنند به

موشک ببندند و دزفول قهرمان را اینچنین زیرتها جمات

جنا يتکارانه شان بگیرند لبنا ن را مثل اینکه بفرا موشی
می سپرند.

می سپرند. یا تحت نظر نمیگیرند. ایران اسلامی مبارزه

اش ایستادگی اش فلسطین را در حاشیه قرار میدهد.

درا ینجا خدا یا از تو میخواهیم آن دولت کریمه ایران

که وعده فرموده ای هرچه زودتر برسان اللهم آن

نرغب الیک فی دوّلۃ کریمۃ تغربها الاسلام و اهله و تذلّل

به التفاّق و اهله و تجعلنا فیها من الدعاۃ الی طاعتك

والقادۃ علی سبیلک و ترزقنا به اسلامه الدنیا والآخره

اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الكفراء اهله و انصر

من نصر الدين و اخذل من خذل المسلمين اللهم ثبت

القُوَّمُ الْكَافِرِينَ.

قلوبنا على دينك و انصرنا على قوم كافرين.

با رپروردگارا دست های دعا و نیاز مارانا امید باز

مکردا ن ، با رپروردگارا مادقا ن طریق ، خدمتگذا ران

راستین انقلاب و امام امت را برتائیدشا ن بیافزا .

با رپروردگارا علمای عالمین خاصه امام

بزرگوار ما ن بر عمر پر پر کشا ن روز افزون بفرما .

با رپروردگارا جیوش مسلم را برتائیدات و نصرت

شان تا پیروزی نهائی بیافزا .

با رپروردگارا جیوش کفر و شرک و تفاّق را بدرست ما

www.rangeman.com

هرچه زودتر به خاک مذلت بنشان ، با رپروردگارا ما را

شاهد مذلت نهائی ابرقدرتها ی جنا يتکار جهان قرار

بده .

با رپروردگار اگذشتگان ما را ببخش و بیا مرز، شهداي

نقاب در زمره شهداي کربلا محسوب بفرما . مجددا

قلوب ما را منور به نور ايما ن بفرما .

با رپروردگار ۱۱ هل مجلس ما را ۱۱ هل بهشت بگردان .

خدا يا لحظه مرگ را لحظه سعادت ما قرار بده .

با رپروردگار اچشمهاي گناهکار ما را بظهور عالم آرای

رمضان ما
اما م زمان منور بفرما

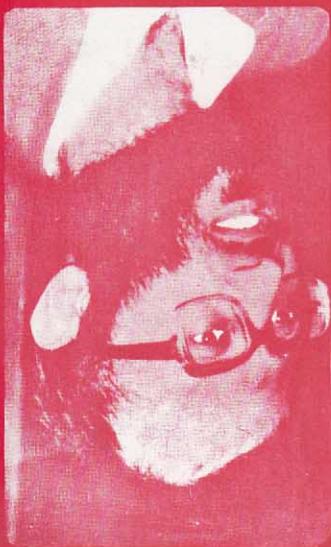
براي آمرزش اموات و شادي ارواح شهداء افلاحت مبارزات اسلامي گيلان

www.rangeiman.ir

مع العلوات .

(و جمعيت حزب الله با شعار كريمي حزب الله خدا نگهدار

تو متفرق ميشوند .)



رنجيمان

موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان
www.rangeiman.ir

۷۰

پاورپو

- ۱- نوح (البلاغة)، فیض، خطبہ ۲۰۷، ص ۶۸۱
- ۲- نوح (البلاغة)، فیض، نامه ۳۱۹، ص ۵۹، ۹۳۵
- ۳- غرر العلم، حسین ارسوی، صیر جلال الدين، ج ۴۰۳، ص ۵، جلد ۸۹۴۲
- ۴- نوح (البلاغة)، فیض، خطبہ ۵
- ۵- غرر الحكم، حسین ارسوی، صیر جلال الدين، ج ۴۵، ص ۹ «من احبت هنک»، من (بغضك اغراك)
- ۶- هادی، ص ۱۵۱، موتاکون بر سیاست این کشور پهناور سایه افکنی: امانتی ثابت
- ۷- غرر العلم، حسین ارسوی، صیر جلال الدين، ج ۴۰۳، ص ۵، ۹۳۵
- ۸- نوح (البلاغة)، فیض، خطبہ ۲۰۷، بند ۷، ص ۶۸۳
- ۹- هادی، بند ۳، ص ۶۸۱ «والحق أوسع الادباء من الموقف»، واصفیها فی الناصف
- ۱۰- نوح (البلاغة)، فیض، خطبہ ۵، بند ۴، ص ۵۷
- ۱۱- هادی، بند ۴، ص ۷۷
- ۱۲- هادی، خطبہ ۲۰۷، بند ۱۸، ص ۶۸۳
- ۱۳- هادی، موسسه مطالعات مبارزات اسلامی گیلان، ۶۸۲
- www.rangeimam.ir
- ۱۴- سوره سارکه، آیت ۲۷، ص ۳۲۳
- ۱۵- نوح (البلاغة)، فیض، ج ۲، بند ۱۵، ص ۶۸۷
- ۱۶- هادی، بند ۱۳، ص ۶۸۶
- ۱۷- هادی، بند ۱۵، ص ۶۸۷
- ۱۸- سوره توبہ آیت ۱۴
- ۱۹- سوره طه آیت ۵۵
- ۲۰- صحیفہ سجاد (ید)، فیض الاسلام (علی) حوار (هم)، بند طرز (هم)، ص ۱۰۱